

اصلاحات در حوزه مسائل زنان پیش از انقلاب دو نقطه ضعف اساسی داشت؛ اول آن که فعالیت‌ها تا حدی شعاری و غیر زیربنایی و در مقابل عمق مشکلات در حوزه آموزش و بهداشت و فقر، بسیار اندک بود. دیگر آن که سودای مبارزه با باورهای دینی مردم را داشت و مانع بر سر راه پیشرفت زنان مقید قرار می‌داد.

## آیا تصور زنان از خود را می‌بینیم؟

تأملی بر ذهنیت زنان از وضع خود در ایران

ریحانه سادات گرامی  
دانشجوی دکتری علوم اجتماعی دانشگاه تهران

انقلاب اسلامی تحولی در تاریخ ایران بود و بخش‌های مختلف جامعه از این تحول متأثر شدند.

در این میان وضع زنان با شتاب بیشتری تحول

یافت؛ آمارهای زیادی از پیشرفت زنان در حوزه‌های ورزشی، علمی از جمله پزشکی، سلامت و ... منتشر می‌شود که همگی گواه این تحول چشمگیر هستند اما با وجود این، سؤال پررنگ وجود دارد و آن این که چرا بخش قابل توجهی از زنان جامعه ما، همان گونه که در جریان‌های اعتراضی اخیر شاهد بودیم، آنگونه که واقعیت پیشرفت را نشان می‌دهد، احساس رضایت از وضع خود ندارند و جایگاه زن در کشور را منفی ارزیابی می‌کنند؟

شاید عجیب به نظر آید اما باید اذعان داشت که ارزیابی‌های ذهنی افراد یک جامعه از یک پدیده یا مسأله، مهم‌تر از حقیقت و واقعیت عینی آن پدیده در جامعه‌شان است؛ چرا که از یک طرف افراد جوامع انسانی مبتنی بر ارزیابی‌ها و براساخت‌های ذهنی خود نسبت به موضوعات و مسائل گوناگون، عکس‌العمل نشان می‌دهند و از طرف دیگر، این براساخت‌های ذهنی لزوماً همیشه مطابق با واقعیت نیستند. البته این، به معنای آن نیست که واقعیت‌های عینی یک جامعه، هیچ تأثیری در شکل‌گیری تصاویر ذهنی اهالی آن ندارد؛ چرا که در هر حال، چگونگی ترسیم چهره یک جامعه در اذهان عمومی، متأثر از واقعیت‌های عینی همان جامعه است اما نکته‌ای که در این یادداشت در پی بیانش هستم، این است که تصاویر ذهنی مذکور معمولاً، عیناً و نعل به نعل، مطابق با واقعیت‌های انضمامی یک جامعه ساخته نمی‌شوند. در واقع عوامل بسیار مهم دیگری وجود دارند که در شکل‌گیری براساخت‌های ذهنی مؤثر هستند و در بسیاری از مواقع، زمینه‌ساز شکل‌گیری تصویری از جامعه می‌شوند که فرسنگ‌ها با واقعیت فاصله دارد. در این میان، تصویرسازی از زنان در جوامع مختلف نیز، از این قاعده مستثنی نیست. در واقع براساخت‌های ذهنی که از وضعیت زنان در هر جامعه‌ای، شکل می‌گیرد، لزوماً با وضعیت عینی زنان آن جامعه، مطابقت کامل ندارد. به عنوان مثال، براساختی که از زن ایرانی، توسط جریان‌های اعتراضی این روزها (موسوم به زن، زندگی، آزادی) ترسیم می‌شود، زنی است که در بسیاری از مواقع محدود است و مجبور، اراده و اختیار ندارد، دائماً از سمت خانواده، جامعه و حاکمیت مورد ظلم قرار می‌گیرد و ...

حالی که از اینک، واقعیت عینی وضعیت زنان در ایران چگونه است و چقدر با براساخت‌های مذکور مطابقت دارد، در هر حال، جریان اعتراضی مذکور و موافقان و هواخواهان آن که از قضا بخش قابل توجهی از زنان ایران را هم تشکیل می‌دهند، مبتنی بر همین براساخت‌ها و تصاویر ذهنی، نسبت به مقوله زنان و مسائل آن در ایران، واکنش نشان خواهند داد. بر اساس همین براساخت‌ها، مسائل زنان را شناسایی و اولویت‌بندی خواهند کرد و حتی برای آن راهکار ارائه خواهند داد؛ بنابراین تحلیلگر، فعال اجتماعی و هر آن کس که تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در حوزه مسائل زنان است ضروری است که علاوه بر دیدن و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، به براساخت‌های ذهنی زنان و چگونگی شکل‌گیری آن‌ها توجه کند.



## ورود هنرمندان به عرصه زنان

نگاهی بر نمایش میدانی جهان بانو اثر سازمان فرهنگی هنری اوج

سیده نرگس حسینی  
دانشجوی ارشد پژوهش علوم اجتماعی

برای کسی که فضای رسانه‌ای در حوزه زنان را می‌شناسد صرف مشاهده پوستر «جهان بانو» هم مایه خوشحالی بود؛ آن قدر که در این حوزه محصول هنری و رسانه‌ای کم داریم شنیدن خبر آن که یک نمایش میدانی دست روی این موضوع گذاشته بسی دلگرم‌کننده است.

جهان بانو توانست زنان بسیاری و همچنین مردان، کودکان، نوجوانان و بهتر بگوییم خانواده‌های بسیاری را جذب خود کند و نزدیک به دو ساعت آنان را پای روایت زنان تاریخ‌ساز بنشاند؛ اتفاقی که کمتر زمانی افتاده بود و فرصت غنیمتی که می‌شد از آن بهره‌های زیادی برد اما سؤال این است که آیا این نمایش با بیش از ۲۰ بار اصلاح متن در طی ۳-۲ سال، به کارگیری ۲۵۰ بازیگر و تدارک ۸ استیج بزرگ توانست از این فرصت استفاده کافی را ببرد؟

جهان بانو را می‌توان به خاطر روایت‌های کوتاه، شیوا و حتی جسورانه از زندگی زنان درخشان تاریخ از حضرت حواتا زنان کادر درمان کرونا تحسین کرد؛ جسارت به آن دلیل که تهیه‌کنندگان این نمایش از نشان دادن برخی بخش‌های مناقشه‌آمیز زندگی این زنان پرهیز نکرده و بلکه موضوعی مانند خواستگاری حضرت خدیجه(س) از پیامبر گرامی اسلام(ص) را به وضوح و به شکلی جالب به نمایش گذاشتند.

این نمایش توانسته ابعاد مختلف زندگی «جهان بانوان» را به تصویر بکشد و در همه این ابعاد چه گذشتن از فرزند و مال باشد و چه تلاش برای گسترش علم و دین یک نقطه تلاپی می‌درخشد؛ اطاعت از خداوند و مقابله با ظلم حتی به قیمت جان. آنجا که



اسلامی که حضرت امام مروج آن شدند دل‌های همه مردم را زنده کرد. در دل این رستاخیز، وضعیت زنان به خصوص در میان توده‌های مردم به گونه‌ای ویژه تغییر کرد. زنان سنتی که پیش از این از سوی روشنفکران به عقب‌ماندگی متهم می‌شدند و در میان طبقه خود نیز حتی مادری و خانه داری شان چنان که باید ارج نهاده نمی‌شد، به مبارزانی بااراده و فعال تبدیل شدند که نقشی بی‌بدیل در پیروزی انقلاب یافتند



رها شده بودند، اکنون به توصیه نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها باید فمینیست‌های غربی را الگو قرار می‌دادند و رهایی زن را از هر قید و بندی طلب می‌کردند. در این جا نیز مقام معظم رهبری پیش از رواج این رویکرد نسبت به آن هشدار دادند. با وجود این، بحث‌های آکادمیک درباره نظریه‌های فمینیستی اگرچه در سطح نخبگانی باقی ماند اما روح این اندیشه برابری خواه در میان همه از مسئولان و تصمیم‌سازان کشور گرفته تا توده‌های مردم نفوذ کرد؛ اندیشه‌ای که تنها دغدغه شریعت ندارد بلکه تعارضش با اندیشه دینی برای اهل فن آشکار است و مردم عادی را نیز در تعارض با سبک زندگی گذشته فرو می‌برد؛ فردیت در زنان و توجه به خود و زیبایی ظاهری و انجام عمل جراحی زیبایی ... افزایش می‌یافت. تعارض بین نقش‌های سنتی و حضور اجتماعی برای زنان روز به روز برجسته‌تر می‌شد. خانواده مثل گذشته ثابت نداشت و همسران بسیار سریع‌تر از قبل به طلاق می‌انديشیدند. با سرکار آمدن دولت احمدی‌نژاد که داعیه بازگشت به ارزش‌های انقلاب را داشت، تلاش‌هایی برای تغییر این نگرش و تغییر در ساختارها و برنامه‌های توسعه و تصمیم‌های ریز و کلان صورت گرفت اما به دلیل فقدان پشتوانه قوی فکری از سوی اندیشمندان و پیچیدگی شرایط و تعارض با ساختارهای مدرنی که پیش از این بنیان نهاده شده بود، عملاً تغییری در نگرش‌ها و شرایط عینی دیده نمی‌شد.

ادامه دارد...

و مدرنیزاسیون را برای بازسازی خرابی‌های باقی‌مانده از دوران طاغوت و سال‌های سخت جنگ تحمیلی انتخاب کرده بودند و پیامد طبیعی یا به نوعی ضرورت این انتخاب، ایجاد رقابت در جامعه برای دنیاطلبی و به دنبال آن عرفی‌شدن دین و جایگزین شدن خواست خدا با خواست فرد در انسان‌ها بود. فاصله گرفتن از فضای مبارزه و شهادت از یک سو و معطوف شدن ذهن‌ها و دل‌ها به سمت توجه به خود و تمتع مادی هر چه بیشتر، به سرعت ارزش‌های جدیدی جایگزین ارزش‌هایی چون ایثار و فداکاری و قناعت کرد. روشنفکران دوران طاغوت فرصت دوباره‌ای پیدا کردند تا اندیشه‌هایشان را ترویج کنند و جماعتی از انقلابیون سابق نیز روشنفکری دینی را راهی برای آشتی اسلام و مدرنیته یافته آن را در میان نخبگان رواج دادند. آثار این تغییر نگرش‌ها را می‌شد در سطح جامعه به اشکال گوناگون مشاهده کرد. هشدارهای مقام معظم رهبری درباره تهاجم و بعدها شبیخون فرهنگی و ثروت‌های بادآورده و رفاه‌طلبی نشانه‌ای است از آنچه در پس‌رشد شاخص‌های توسعه به‌طور عام و شاخص‌های وضعیت زنان به‌طور خاص اتفاق می‌افتاد.

نقطه عطف این روند با پیروزی اصلاح‌طلبان رقم خورد که به‌طور خاص در بحث مسائل زنان با بروز قوی و پرسروصدای اندیشه‌های فمینیستی همراه بود. زنانی که پس از انقلاب با تاسی به حضرت زهرا(س) و به اعتبار حضور سیاسی و اجتماعی ایشان از بند سنت‌های غلط گذشته



آمارهای زیادی از پیشرفت زنان در حوزه‌های ورزشی، علمی از جمله پزشکی، سلامت و ... منتشر می‌شود که همگی گواه یک تحول چشمگیر هستند اما با وجود این، سؤال پررنگ وجود دارد و آن این که چرا بخش قابل توجهی از زنان جامعه ما، همان گونه که در جریان‌های اعتراضی اخیر شاهد بودیم، آنگونه که واقعیت پیشرفت را نشان می‌دهد، احساس رضایت از وضع خود ندارند و جایگاه زن در کشور را منفی ارزیابی می‌کنند؟